



از آرامگاه تا تختگاه؛ مجموعه آرامگاهی نقش رستم و تخت جمشید در منظر پارسه

کیمیا نصیرزاده^۱ ID، علیرضا عسکری چاوردی^۲ ID، محمدحسن طالبیان^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری باستان شناسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، kimia.nasirzadeh@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، askari_chaverdi@yahoo.com
^۳ دانشیار گروه مرمت بنا و بافت‌های تاریخی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران، mh.talebian@ut.ac.ir

چکیده

مجموعه آرامگاهی و بنای معروف به کعبه زرتشت در نقش‌رستم در دوره هخامنشی بنا شده است. مجموعه آثار نقش‌رستم به‌خصوص بنای کعبه زرتشت به‌عنوان میراث معنوی پادشاهان هخامنشی همواره در مشروعیت مذهبی دوره‌های پس از هخامنشی نقش پویایی در ساختار حاکمیتی، سیاسی و مذهبی داشته است که این موضوع ریشه در سنت‌های دیرینه پیشا هخامنشی در خاورمیانه باستان به‌ویژه دوره عیلامی داشته است. نزدیک‌ترین تفسیر از کارکرد این بنا در ارتباط با آرامگاه‌های هخامنشی و ارتباط آن با تختگاه تخت جمشید می‌تواند معنا یابد. شناخت ارتباط مکانی نقش‌رستم و تخت جمشید از نظر کارکردی اهمیت دارد. تخت جمشید در دل یک شهر شکل گرفته و کاخ‌های هخامنشی بخشی از این شهر بوده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. این پژوهش پهنه محیطی پیرامون تختگاه تخت جمشید، معروف به شهر پارسه را مورد بررسی قرار داده و فرضیه بازسازی شهر تاریخی پارسه را در محدوده حریم درجه ۱ تخت جمشید قابل تصور ساخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که به استناد آثار به‌جای مانده و کتیبه‌ها، مجموعه آثار نقش رستم در دوره هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی همواره مورد استفاده و تکریم بوده است. در دوره هخامنشی ارتباط مجموعه آرامگاهی نقش‌رستم به‌عنوان بخش مهم و کارکردی شهر پارسه مرتبط با تختگاه تخت جمشید بوده است. سنت دفن پادشاه درگذشته بر اساس آئین زرتشتی در این محل انجام می‌شده و پس از دفن پادشاه در آرامگاه، مراسم بر تخت نشستن پادشاه جدید در بنای یادمانی و مقدس کعبه زرتشت انجام می‌شد.

اهداف پژوهش:

۱- بررسی موقعیت مکانی نقش‌رستم و کعبه زرتشت و علل وابستگی آن به شهر پارسه بر اساس بررسی‌های ژئوفیزیک.

۲- بررسی و مطالعه کارکرد بنای کعبه زرتشت از دوره هخامنشی تا انتهای دوره ساسانی.

سؤالات پژوهش:

۱- بنای کعبه زرتشت در دوره‌های مختلف تاریخی چه کاربردهایی داشته است؟

۲- بررسی‌های ژئوفیزیک چه اطلاعاتی در مورد موقعیت مکانی کعبه زرتشت و وابستگی آن به شهر پارسه ارائه می‌دهد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۱

دوره ۱۸

صفحه ۴۱۷ الی ۴۳۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۸/۳۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

کعبه زرتشت،

نقش رستم،

مجموعه آرامگاهی،

پارسه.

ارجاع به این مقاله

نصیرزاده، کیمیا، عسکری چاوردی،

علیرضا، طالبیان، محمد حسن.

(۱۴۰۰). از آرامگاه تا تختگاه: مجموعه

آرامگاهی نقش رستم و تخت جمشید

در منظر پارسه. هنر اسلامی، ۱۸(۴۱)،

۴۱۷-۴۳۱



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1400.18.41.243](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.41.243)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.265089.1489](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.265089.1489)

مقدمه

آرامگاه سلطنتی (نکروپولیس) تخت جمشید در حاشیه شمال شرقی شهر پارسه واقع شده است. سنت آرامگاهی پادشاهان هخامنشی از دوره داریوش یکم (۵۲۱-۴۸۶ ق.م) متفاوت از کوروش بزرگ (۵۵۹-۵۳۰ ق.م) در حاشیه منطقه مسکونی پارسه و در فاصله ۷ کیلومتری تختگاه تخت جمشید بنا شد. داریوش یکم صخره‌ای به ارتفاع ۶۰ متر انتخاب کرد و اتاقی مربع شکل در این صخره کنده‌کاری کرد که به احتمال این سبک آرامگاهی را از منطقه آناتولیا در آسیای صغیر الهام گرفته بود. سنت ساخت آرامگاهی (نکروپولیس) در بیرون و حاشیه شهرهای باستانی در حوزه مدیترانه، در امتداد روخانه‌ها در ساحل مقابل شهرها در مصر یا در امتداد راه‌ها بیرون از شهر در یونان و روم باستان رواج داشت. در حقیقت این آرامگاه‌ها (نکروپولیس‌ها) از چند بنای آرامگاهی بزرگ تشکیل شده بود که طی چند قرن به صورت متوالی از آن‌ها استفاده می‌شد. داریوش یکم سطحی وسیع در محل نقش رستم در نمای صخره کوه حسین کنده‌کاری کرد و در آنجا سه محل دفن تابوت صخره‌ای درون اتاقی مربع شکل در سنگ ایجاد کرد. بر این آرامگاه دری سنگی قرار داد و سطح زیرین در نمای زیر آرامگاه را کاملاً تراشید و به سطحی صیقلی تبدیل کرد تا امکان دسترسی به درون آرامگاه ممکن نباشد. سطح بالای در آرامگاه را به نمایش نقوش سمبلیک صحنه نیایش پادشاه در معیت نمایندگان ساتراپی‌ها همراه با تکریم آتش و نمایش فرآیند پادشاه اختصاص داد. همچنین نمای دو طرف در آرامگاه را به شکل ایوانی ستون‌دار با سر ستون‌هایی به شکل قدامی دو حیوان مشابه نمیرخ ایوان ستوندار تالار آپادانا تزئین کرد. کتیبه‌هایی در نیایش خداوند، شکوه پادشاه و توصیف سرزمین تحت قلمرو خود برای آیندگان در نمای صخره‌ای آرامگاه خود نقر کرد. جانشینان نخستین وی یعنی خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ پ.م)، اردشیر یکم (۴۶۵-۴۲۵ پ.م) و داریوش دوم (۴۲۳-۴۰۴ پ.م) در همین محل و متعاقباً اردشیر دوم (۴۰۴-۳۵۹ پ.م) و اردشیر سوم (۳۵۹-۳۳۸ پ.م) در حاشیه تختگاه تخت جمشید آرامگاه‌هایی به همین شکل با تزئینات شبیه به آرامگاه داریوش ایجاد کردند. آگاهی از ماهیت و چگونگی این مجتمع آرامگاهی می‌تواند راهگشای نکات متعددی از حیات اجتماعی و سیاسی در دوره باستان باشد.

در خصوص موضوع پژوهش حاضر تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است اما بسیاری از سیاحان، سفرنامه نویسان و باستان‌شناسان از نقش رستم بازدید داشته‌اند و گزارش‌های بسیار نوشته‌اند اما آن‌ها که به کار تحقیقات میدانی پرداخته‌اند و در زمینه شناخت علمی این مجموعه تاریخی مطالبی منتشر کرده‌اند می‌توان به مطالعات مادام دیولا فوا (Dieulafoy ۱۸۸۴-۵۵۵۵)، ارنست هرتسفلد و زاره (Sarre & Herzfeld ۱۹۲۸, ۱۹۴۱)، اردمن (Erdman ۱۹۱۰)، اسپرینگلینگ (Sprengling ۱۹۱۰)، بایرون (Byron ۱۹۱۰)، اریک اشمیت (Schmidt ۱۹۱۰, ۱۹۰۰)، وورفل (Wurfel ۱۹۱۰)، دیمان (Demandt ۱۸۸۸)، برگر (Borger ۱۹۱۰)، اریک اشمیت (Schmidt ۱۹۱۰, ۱۹۰۰)، وورفل (Wurfel ۱۹۱۰)، هینز (Hinz ۱۹۱۱)، شیپمن (Schipmann ۱۹۱۱)، گچ (Gotch ۱۹۱۱)، مایکل روف (Roaf ۱۹۱۱)، نجم آبادی (Nadjmabadi ۱۹۱۱)، شهبازی (Shahbazi ۱۹۱۱)، ولفرام کلایس (Kleiss ۱۹۱۱)، بورکر کلاهان (Borker Klahn ۱۹۱۱)، و سانسوسی ووردنبرگ (Sancici-weerdenburg ۱۹۱۱) اشاره کرد. در بین تمام این پژوهشگران اریک اشمیت اسناد کاوش‌های باستان‌شناسی این مجموعه را منتشر کرد که می‌توان

گفت شرح مفصل کتاب اریک اشمیت نتیجه بیشترین اطلاعات باستان‌شناسی از نقش رستم دوره هخامنشی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی در صد بررسی این مجموعه آرامگاهی است.

۱. بنای کعبه در دوره هخامنشی و پس از هخامنشی

در مجموعه آرامگاهی پارسه، مکان بنائی معروف به کعبه زرتشت در دوره هخامنشی بنا شده است. این سازه از نظر ساختار معماری و هم کارکرد در کنار آرامگاه‌ها حایز اهمیت و مهم است. تفسیرهای متعددی از کارکرد این بنا برای دوره‌های مختلف ارائه شده است اما نزدیک‌ترین تفسیر از کارکرد سازه در ارتباط با چهار آرامگاه هخامنشی می‌تواند معنا و مفهوم پیدا کند. این بنا به طور غیر معمول در سه طبقه با ۷ پنجره کور به شکل برجی سنگی بلندی به ارتفاع ۱۴ متر بنا شده است. دارای پلکانی رفیع است و در بالاترین قسمت از طریق دری سنگی بلندی به یک اتاق ختم می‌شود. تمام این بنا از سنگ مرمّر ساخته شده است و سطح تمام بلوک‌های سنگی آن به خوبی صیقل و پرداخت شده است. این سازه بلند رو به آرامگاه‌های سلطنتی بنا شده است و به دلیل معماری رمزآلود آن به ویژه وجود پنجره‌های کور و اتاقی نیمه تاریک بر بلندای برج از دیدگاه‌های مختلف کارکرد آن مبهم تفسیر شده اما همه محققین در یک مورد اتفاق نظر دارند: اینکه بنای برجی شکل نقش رستم معروف به کعبه زرتشت دارای نقش و کارکردی مذهبی بوده است (Rawlinson ۱۱۱۱; Dieulafoy ۴۴۴۴-۵۵۵۵; Sarre & Herzfeld ۰۰۰۰; Herzfeld ۸۸۸۸; ۱۱۱۱); Sprenghing ۷۷۷۷; Hening ۷۷۷۷-۹۹; Schmidt ۱۹۳۹; ۰۰۰۰; Broger ۱۹۶۹; Wurfel ۰۰۰۰; Hinz ۱۹۷۰; ۱۹۷۱; Stronach ۱۹۷۸: ۱۳۲; Sancisi-Weerdenburg ۱۹۸۳; Potts ۲۰۰۷).

این بنا در دوره هخامنشی بنیان نهاده شده است اما پس از سقوط هخامنشیان به صورت ویژه بر اهمیت مذهبی و اعتقادی آن با نمایش شکل بنا بر پشت سگه‌های حاکمان محلی فارس در طول دو دوره سلوکی و اشکانی تاکید شده است (Haerinck et.al ۲۰۰۸:۱; ۲۰۰۷: ۱; ۲۰۰۷: ۲; Alram ۶۶۶۶). در دوره ساسانی وجود کتیبه شاپور یکم (۲۲۴-۲۷۳ میلادی) و کتیبه مذهبی روحانی مهم زرتشتی یعنی کرتیر روی دیواره آن نشان می‌دهد که این بنا مقدس و مورد احترام بوده است (شهبازی ۱۳۵۷؛ Schmidt ۰۰۰۰: ۷۷).

بنا به نظر کاوشگر کعبه زرتشت، اریک اشمیت، بافت لایه‌نگاری کاوش‌های باستان‌شناسی پیرامون بنای کعبه زرتشت در نقش رستم نشان داد که این بنا در سر تاسر دوره سلوکی، اشکانی و ساسانی استفاده شده است (Schmidt ۱۹۵۷: ۰۰۰۰۰۰: ۴۸). (۱۹۷۰: ۴۸). پیش نمونه‌های ساخت این بنا، برجی غیر آرامگاهی با همین ارتفاع، پلان و مصالح مشابه در پاسارگاد است که در پردیس کاخ‌های کوروش بزرگ (۵۵۹-۵۳۱ پ.م) بنا شده است (Stronach ۸۸۸۸: ۱۳۰). دو بنای نقش رستم و پاسارگاد بسیار شبیه به هم ساخته شدند و از نظر پلان و شکل برج مانند به بناهای اورارتویی و از نظر تزئینات سطح بیرونی بنا به بناهای مذهبی آتشگاه دوره مادها شبیه هستند اما از نظر کارکرد متفاوت هستند (Stronach ۱۶۶۵: ۸۸۸; ۶۶۶۶; ۸۸۸۸: ۳۳۳).

از نظر اریک اشمیت کاوشگر تخت جمشید، و دیوید استروناخ کاوشگر پاسارگاد، هر دو این بناها از شکل، ساختار معماری و تزئینات نشان می‌دهد که این دو بنا مقدس بوده است (Stronach ۸۸۸۸؛ Schmidt ۰۰۰۰: ۱۱؛ Schmidt ۱۳۳). هر دو این بناها از نظر شکل بنا و ساختار معماری مذهبی با فونداسیون پلکانی شکل با بخش‌هایی از آرامگاه کوروش، معبد آپادانه شوش، و بنای مقدس فَرترکا در نزدیک تختگاه تخت جمشید شباهت دارند (Stronach ۱۳۵: ۱۹۷۸). اما از نظر کارکرد متفاوت هستند (Stronach ۸۸۸۸: ۵۵۵؛ Schmidt ۰۰۰۰: ۷۷-۸۸). هنینگ تأکید ویژه‌ای بر معرفی بنای کعبه زرتشت به عنوان بُن‌خانگ و محل نگهداری کتاب اصلی اوستا و دستورات دینی زرتشت در دوره ساسانی در این محل دارد و دلیل آن هم وجود دو کتیبه مهم شاپور یکم و کتیبه کرتیر روحانی زرتشتی بر دیواره شرقی این بنا است و تأکید می‌کند، منظور از بُن‌خانگ یا دژنیشث اشاره شده در متون مقدس زرتشتی منظور همین بنا است (Stronach ۸۸۸۸؛ Schmidt ۰۰۰۰: ۸۸؛ Hening ۷۷۷۷-۹۹۹۹: ۹۹۹؛ ۹۹۵۷). اریک اشمیت علاوه بر تأکید بر اهمیت کتیبه‌های مذهبی دوره ساسانی، از نظر لایه‌نگاری باستان‌شناسی کارکرد این بنا را حدود ۱۲۰۰ سال از دوره داریوش یکم در اواخر قرن ششم قبل از میلاد تا سال ۶۵۱ میلادی و پایان حکومت ساسانی می‌داند، زیرا لایه‌های باستان‌شناسی حاصل از کاوش توالی این استفاده را نشان می‌دهد (Schmidt ۴۷: ۱۹۷۰). اریک اشمیت در تفسیر بافت لایه‌نگاری حاصل از کاوش پیرامون این بنا اشاره می‌کند که بنای کعبه زرتشت در دوره سلوکی متروک و آسیب‌هایی دید که پس از مدتی سلسله‌های حاکمان محلی فارس از این بنای مقدس استفاده کردند و آن را با احترام ویژه در پشت سگه‌های فَرترکاها به نمایش گذاشته شد (Alram ۶۶۶۶). اما در قرن سوم میلادی در دوره شاپور یکم (۲۴۳-۲۷۳ میلادی) این بنا مرمت و بازسازی و مورد استفاده مجدد ساسانیان تا پایان این دوره قرار گرفت (Schmidt ۰۰۰۰: ۸۸-۹۹). بر اساس مدارک تاریخی و باستان‌شناسی فوق، این بنا در دوره هخامنشی ساخته شده و در دوره‌های سلوکی، اشکانی و ساسانی نه تنها از اهمیت آن کاسته نشده است بلکه تقدس و احترام به آن بیشتر شده است. اهمیت این بنا در دوره‌های پس از هخامنشی نشان می‌دهد این بنا در سلسله‌های پس از هخامنشی کارکرد داشته است زیرا نمایش آن روی سگه‌های حاکمان محلی فارس و کتیبه‌های دوره ساسانی روی آن نشان از اهمیت بنا دارد.



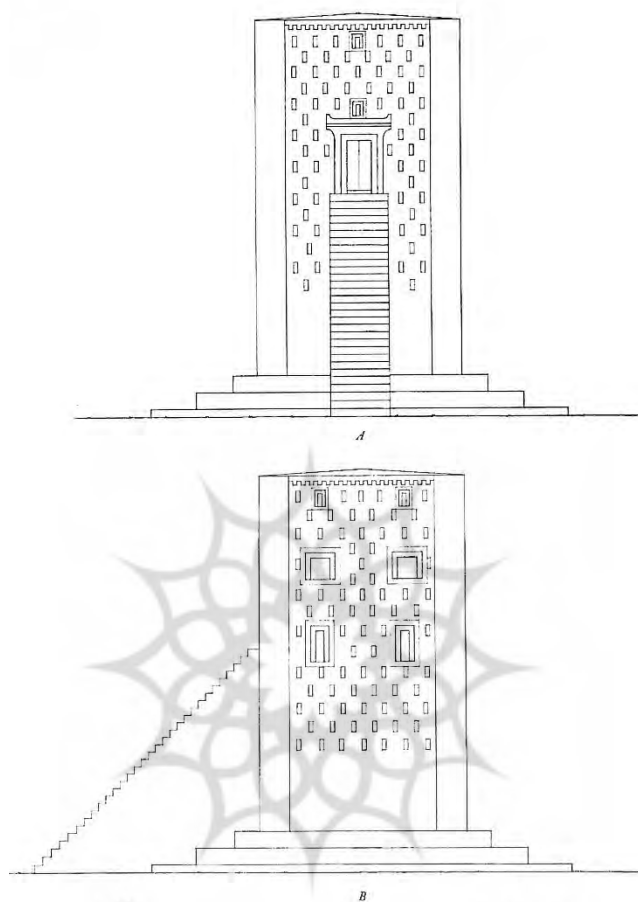
تصویر ۱. آرامگاه‌های نقش رستم و کعبه زرتشت (عکس: مصطفی رخشنده).

تصویر شماره ۱، آرامگاه‌های نقش‌رستم و کعبه‌زردشت را به تصویر کشیده است. در بین تمام تفسیرهای به‌عمل آمده از کارکرد این بنا، گزارش تفسیر نظر پلوتارک مورخ یونانی در خصوص آداب درباری و تشریفات به تخت نشستن پادشاه ایرانی پس از پادشاه درگذشته می‌تواند تا حدودی تفسیر مقدماتی از کارکرد احتمالی بنای کعبه زرتشت در محل آرامگاه‌های نقش‌رستم را روشن سازد. بر اساس تحلیل نظر پلوتارک، مراسم به تخت نشستن پادشاه ایرانی با تشریفات مذهبی بسیار همراه بوده است، به‌ویژه اینکه شخص پادشاه پیش از به تخت نشستن در آغاز مراسم به اتاق نیایشگاهی وارد می‌شده است که دسترسی دیگر افراد به آن عبادتگاه ممکن نبوده است. برای افرادی که بیرون بودند، اعمال مذهبی پادشاه قابل مشاهده نبود. و برای آن‌ها ناشناخته باقی ماند. در آن نیایشگاه اتاقی وجود داشت که در آنجا اسباب و لوازم پادشاهی وجود داشت و شخص، پادشاه، لباس پادشاهی می‌پوشید (aaaaaaaalives, Book ۱۱۱, Chapter II.I-iii.a.P).

این مراسم با حضور روحانی بزرگ همراهی می‌شد و پس از این که نیایش مذهبی و سوگند خود را با خدا ابراز می‌داشت آن شخص، پادشاه، صاحب مشروعیت مذهبی برای پادشاهی می‌شد. شخصیت پادشاه مقدس و محترم می‌شد و حاکمیت وی مورد تایید روحانیون قرار می‌گرفت. این تحلیل تفسیر پلوتارک اگر چه بسیار کلی بیان شده است، حتی برای مراسم معراج رفتن کرتیر روحانی زرتشتی تأییدی بر این فرضیه می‌تواند باشد که اساساً این روحانی بر معراج خود در نقش رستم تأکید دارد (۹۹۹۹; Hermann, G., D.N. Mackenzie & R. Howell Caldecott ۹۹۸۸ ۹۹۱۱). لذا از این دیدگاه کارکرد این بنا در مجموعه آرامگاهی نقش‌رستم بهتر قابل درک است، زیرا در زمانی که پادشاه هخامنشی در می‌گذشته است، پس از انجام مناسک دینی تشریفات دفن، مراسم آئینی و مذهبی پادشاه جدید با نیایش و سوگند پادشاهی در مکانی که نشانگر عروج معنوی شخص پادشاه بوده است، در بالای برجی در ارتفاع ۱۴ متری از سطح زمین در اتاقی نیمه تاریک در محلی دور از دسترس با نیایش و سوگند به درگاه خدا انجام می‌شده است. سنتی پایدار که در دوره ساسانی به صورت کلاسیک روحانی معروف زرتشتی، کرتیر، از آن به معنای معراج یاد می‌کند (۱۱۱۱; Gnoli ۱۷۷۴; Brunner ۰۰۰۰; Hinz). ریشه این سنت نه در بناهای آرامگاهی اورارتو و نه در آتشگاه‌های دوره ماد قابل درک است، بلکه ریشه این سنت نیایشی پادشاه برای مشروعیت قدرت سیاسی در بنای مشابه آن در پاسارگاد قابل درک است که کوروش هخامنشی آن را از خاندان عیلامی خود در آنشان و شوش به ارث برده بود.

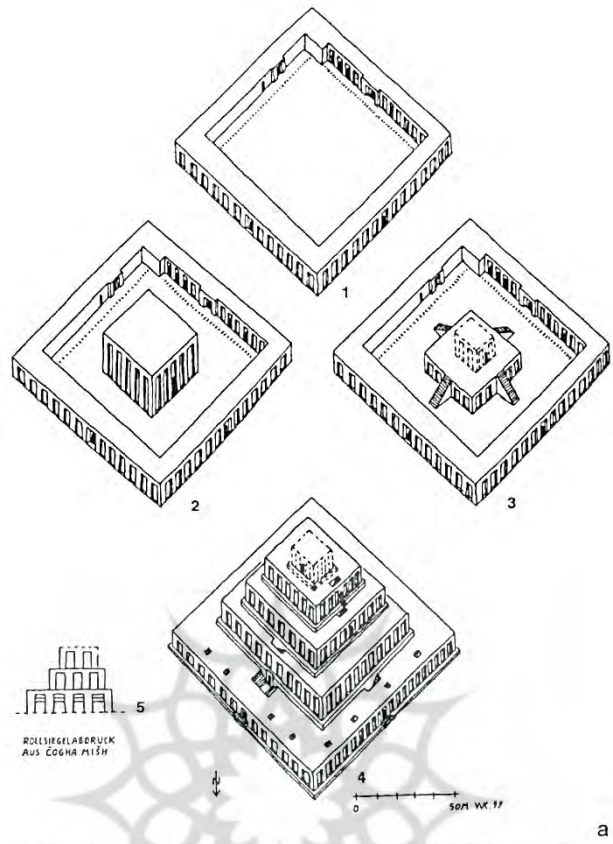
پلوتارک به‌صراحت انجام این مراسم را برای نیایشگاه واقع در پاسارگاد یادآوری می‌شود که حتی شخص جدید لباس پادشاهی کوروش را برای احترام و تقدس می‌پوشی (Plutarch's lives, Book XI, Chapter II.I-iii.۳.P). سنت دیرپای اعمال نیایشی چند هزار ساله دوره عیلامی برگرفته از زیگورات‌هایی که پادشاهان ایلامی در بالاترین بخش آن و به دور از دسترسی دیگران در مکانی خلوت به نیایش خدایان و به وفاداری مذهبی خود سوگند یاد می‌کردند (Alvarez – Mon ۳۳۳۳). این سنت مذهبی در آغاز دوره هخامنشی در پاسارگاد در بنای منسوب به زندان همانند سایر نوآوری‌های معماری خلق شد و پس از آن با تلفیق سنت‌های پیشا هخامنشی در نقش‌رستم به

شکل کلاسیک با معماری سنگی در بخش آرامگاهی حاشیه شهر پارسه با ساخت بنای منسوب به کعبه زرتشت ایجاد شد (تصویر ۲) و تا هزار سال بعد ادامه پیدا کرد.



تصویر ۲: بنای معروف به کعبه زرتشت در نقش رستم با مقیاس ۱/۱۰۰ (۰۰۰۰) (after Schmidt).

عروج از ۳۰ پله بنای کعبه زرتشت بیشتر یادآورنده عروج روحانیون بزرگ بابلی و عیلامی است که چند هزاره تنها این اشخاص حق عروج به معبد اعلی را در بالاترین بخش زیگوراتها داشتند (تصویر ۳). موضوعی که دیوید استروناخ در اهمیت تقدس مذهبی بنای زندان در پاسارگاد تأکید می کند که وجود یک راه پله ممتد و طولانی برای گذر یک فرد خاص هم در پاسارگاد و هم در کعبه زرتشت نشانگر اهمیت قدسی بودن و مقدس بودن این بنا است. زیرا تنها یک شخص حق ورود و عروج به آن مکان بلندمرتبه را داشته است و وجود عبادتگاههای پلکان دار ریشه در سنت عیلامی دارد (۳۳۳: ۸۸۸۸; ۶۶۶۶; ۵۵۵۵; ۴۴۴۴) (Stronach).



Babylon. Zikkurat nach Rekonstruktion von H. J. Schmid.

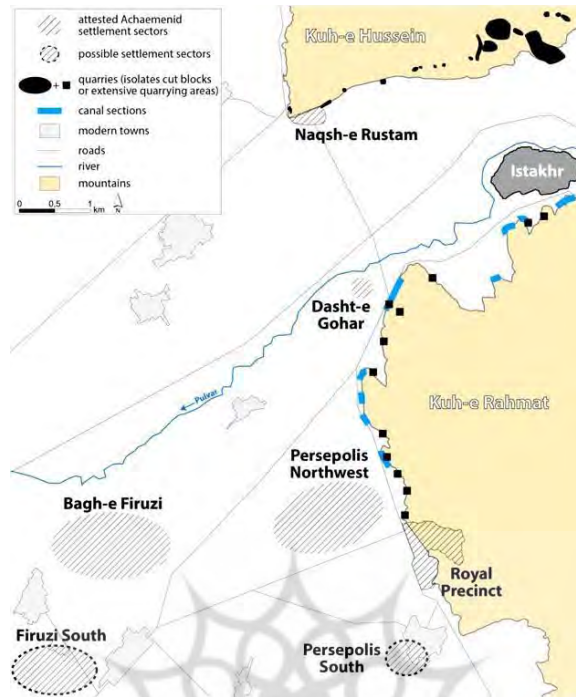
تصویر ۳: زیگورات چغازنبیل (دوراونتاش) در بخش a (بازسازی بر اساس طرح گیرشمن) و زیگورات بابل در بخش b (بر اساس طرح اشمیت) (۴۴: ۵۵۵۵ after Kleiss).

اتاق‌های متعدد پلکان‌دار در شهر عیلام میانه دوراونتاش در معبد اینشوشیناک الف، همراه با طاق‌های هلالی و پلکانی درون معبد به نشان می‌دهد که زیگورات چغازنبیل و این معابد پلکان‌دار ریشه در تداوم همان سنت‌های دیرینه بین‌النهرینی به ویژه عبادتگاه‌های زیگورات‌ها در بابل دارند (Ghirshman ۶۶۶۶)؛ گیرشمن ۱۳۷۳: ۳۷، ۴۲، ۴۴، ۵۴، ۵۱). اکثر نویسندگان بنای کعبه را با توجه به ساختار معماری، موقعیت و وجود کتیبه‌های نقر شده بر بدنه آن و نمایش شکل این بنا بر پشت سگه‌های پسا هخامنشی کارکرد مذهبی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند. علاوه بر آن کاوشگران نقش رستم و پاسارگاد نیز بر جنبه مذهبی، تقدس و تداوم استفاده مذهبی از این بناها در مجموعه‌های سلطنتی پاسارگاد و پارسه تأکید دارند اما چگونگی کارکرد مذهبی این بناها کمتر مورد توجه قرار گرفته بود. در بررسی فرایند مذهبی بناها و سنت‌های مذهبی بین‌النهرین و عیلام در معابد زیگورات تا حدودی پیشینه تشریفات

مذهبی دو بنای نقش رستم و پاسارگاد برای شناخت کارکرد این بناها قابل درک است. در تداوم دوره هخامنشی، توجه حکومت مذهبی ساسانی به ویژه سده‌های آغازین این دوره به بنای کعبه زرتشت به عنوان عبادتگاه و معراج روحانی مهم زرتشتی و نقش مشروعیت مذهبی برای پادشاه همراه با تحلیل گزارش مورخ یونانی پلوتارک روشن شد. بنابراین، این بنا یا عبادتگاه در یک محل مذهبی و آرامگاهی در حاشیه شهر پارسه قرار داشته است و درک آن در چشم‌انداز فرهنگی، مذهبی و باستان‌شناسی تختگاه تخت‌جمشید و جایگاه ایدئولوژیک پارسه اهمیت دارد. بدیهی است که از نظر فرایند زمانی و فرهنگی، پارسه در فرایند شهرهای پیش از دوره هخامنشی در جنوب و جنوب‌غرب ایران به ویژه شهرهای شوش، دوراوتاش، آنشان، لیان، هیدالو، مگن (مکن)، و... در جنوب ایران در قرن ششم ق.م میلاد شکل گرفته است. مجموعه مذهبی و مقدس نقش رستم با بنای عبادتگاهی معروف به کعبه زرتشت همانند مجموعه مذهبی دوراوتاش و معابد چغازنبیل دارای تشکیلات متعدد و گسترده‌ای بوده است که طی هزار سال در ارتباط با مجموعه بزرگ شهر پارسه در دوره‌های هخامنشی، حکومت‌های محلی فارس به ویژه فَرْتَرک‌ها، اشکانیان و ساسانیان پویا بوده است.

۲. مجموعه آرامگاهی نقش رستم در منظر شهر پارسه و تختگاه تخت جمشید

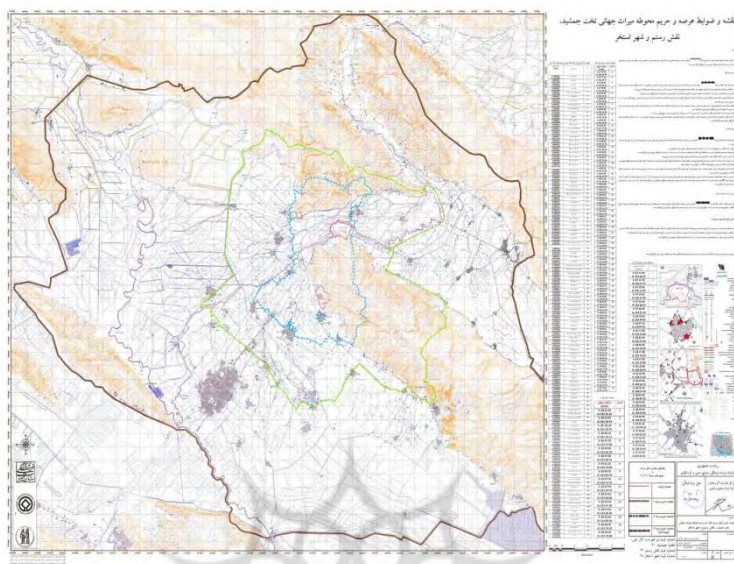
شناخت شهر پارسه در محدوده پیرامونی تختگاه تخت جمشید با اتکاء به یافته‌های باستان‌شناسی همواره مد نظر مطالعات باستان‌شناسی بوده است. تخت جمشید در دل یک شهر شکل گرفته است و تختگاهی که کاخ‌های هخامنشی بر فراز آن پابرجاست بخشی از یک شهر بوده است. شناخت ارتباط فضایی، مکانی و زمانی کاخ‌های تختگاه تخت جمشید در بستر شهر پارسه از سال ۵۵۹ پ.م تا سال ۳۳۱ پ.م اهمیت دارد. تخت جمشید در بستر زمانی سده‌های ششم، پنجم و چهارم قبل از میلاد شکل می‌گیرد، تداوم حیات پیدا می‌کند و سرانجام دچار افول می‌شود. سه قرن از مرحله شکل‌گیری تا سقوط طبقه سیاسی حکومت هخامنشی دوران حیات سیاسی حکومتی است که یکی از مشهورترین شهرهای تاریخی باستان به نام تخت‌جمشید یا پارسه به وجود می‌آید. شکوه‌مندترین شهر روزگار خود که تا سده اخیر در توصیف بناهای باشکوه آن توصیف‌های بسیار دل‌انگیز نگاشته شده است. طی کاوش‌های باستان‌شناسی متعدد از حدود ۸۰ سال پیش تا به امروز همواره تلاش شده است تا زوایای بیشتری از تخت جمشید و محوطه‌های پیرامونی آن شناسایی شود. با اتکاء به نتایج مطالعات جدید طی ۳۰ سال اخیر، به نظر می‌رسد، وسعت محوطه‌های باستانی و به ویژه پراکندگی آثار پیرامونی تختگاه در محدوده‌ای به نام حریم درجه یک تخت جمشید بیشتر از چند هزار هکتار وسعت دارد (۷۷۷۷؛ ۲۲۲۲; Askari Chaverdi & Callieri).



تصویر ۴: محدوده حریم منظری پارسه؛ تخت جمشید، نقش رستم، استخر، تخت گوهر، فیروزی، کوه رحمت، کوه حسین، بخش-های جنوبی و غربی تخت جمشید، (۲۰۱۲. after Boucharlat, R., T. de Schacht, & S. Gondet).

با اتکاء به مطالعات باستان‌شناسی انجام شده در پیرامون تختگاه تخت جمشید، چشم‌انداز باستان‌شناسی فرایند استقرار و مراحل سکونتی محدوده پیرامونی تختگاه تخت جمشید، قابل ملاحظه است (تصویر ۴ و ۵).

با پژوهش‌های انجام شده در چند دهه اخیر و با توسعه علوم مرتبط با باستان‌شناسی دامنه کنترل یافته‌ها و تحلیل داده‌ها از نظر موضوعی روشن تر شده است (همان). برای شناخت پهنه محیطی پیرامون تختگاه تخت جمشید یعنی آنچه که معروف به شهر پارسه است این پژوهش‌ها تا حدودی فرضیه بازسازی شهر تاریخی پارسه را در محدوده حریم درجه ۱ از تخت جمشید (شکل ۵) قابل تصور و درک ساخته است. چنین به نظر می‌آید که مرزهای این شهر بر منطقه منطبق با حریم یک در اطراف صدفه تا شمال به سمت نقش ستم و استخر منطبق باشد.



تصویر ۵: محدوده حریم درجه ۱ تخت جمشید و استخر (آرشیو بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد).

بررسی‌های باستان‌شناختی دهه اخیر در محدوده‌های پیرامونی تختگاه تخت جمشید چشم‌انداز جدیدی از استقرار شهری پارسه روشن ساخته است. در حقیقت، پس از بررسی‌های ویلیام سامنر (Sumner ۱۹۶۶)، پرسش درباره استقرار شهری در نزدیکی تختگاه تخت جمشید مورد توجه کسانی قرار گرفت که تمام تلاش‌های خود را به بررسی‌های سطحی و مطالعات ژئوفیزیکی پیرامون آن با اهداف علمی و حفاظتی معطوف ساخته بودند. به‌ویژه از ابتدای دهه ۱۳۸۰، از یک سو بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد با گروه باستان‌شناسی خود، و با انجام مطالعات مغناطیسی-زمین‌شناسی توسط بابک امین‌پور، در تلاش برای تعیین موقعیت محوطه‌های دشت مرو دشت و به‌ویژه شهر پارسه برآمد (Askari Chaverdi & Callieri ۲۰۱۷). از سوی دیگر فعالیت تیم فرانسوی-ایرانی تحت سرپرستی ر. بوشارلاو و محمدخانی، که با هدف شناخت بافت شهری تخت جمشید و بازسازی مناظر دشت مرو دشت انجام شد نیز بر غنای این پژوهش‌ها افزود (Boucharlat et al ۲۰۱۷).

براساس نتایج همین مطالعات بود که هیأت مشترک ایتالیایی-ایرانی قادر به طرح برنامه باستان‌شناسی خود شدند (Askari Chavardi & Callieri ۲۰۱۷; ۲۰۱۷). در واقع، جدیدترین تعریف منظر شهر پارسه تخت جمشید به طور عمده بر مبنای نتایج ژئوفیزیکی قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

مطالعات جامع باستان‌شناسی در دو بخش شمال غربی تخت جمشید و مجموعه فیروزی بود که ده‌ها هکتار مجموعه‌های ساختمانی اعم از سیستم‌های آبیاری، مناطق نیمه صنعتی شهر، کاخ‌ها و مجموعه بناهای یادمانی مهمی

شناسائی شد تا این حدود که بر اساس نظرات عسکری چاوردی و کالیری چنین به نظر می‌رسد مرز منطقه حائل حریم، یک در اطراف تختگاه که تا شمال به نقش‌رستم و استخر می‌رسید، با مرزهای شهر پارسه منطبق بوده است، زیرا مدارک باستان‌شناختی فراهم شده نشان داد که شهر پارسه در پهنه وسیعی شکل گرفته بود. در مجموعه آثار دوره هخامنشی شهر پارسه مجموعه‌ای بزرگ از تختگاه تخت‌جمشید، بزرن جنوبی، بزرن شمالی، بخش شمال غربی تخت-جمشید در پارسه، مجموعه فیروزی و تخت‌گوهر، دروازه مکشوفه تل آجری و محوطه‌های پیرامونی، مجموعه کوه مهر، و به ویژه مجموعه آرامگاهی نقش‌رستم قابل ملاحظه است که در این پهنه وسیع در حاشیه شهر پارسه در دوره هخامنشی بنا شده است. به استناد آثار بجای مانده باستانی و کتیبه‌ها، مجموعه آثار نقش‌رستم در دوره هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی همواره مورد استفاده و تکریم بوده است. در دوره هخامنشی ارتباط مجموعه آرامگاهی نقش‌رستم به‌عنوان بخش مهم و کارکردی شهر پارسه در حاشیه شهر اما مرتبط با تختگاه تخت‌جمشید بوده است. سنت دفن پادشاه درگذشته بر اساس آئین زرتشتی در این محل انجام می‌شده است و پس از دفن پادشاه، مراسم به تخت نشستن پادشاه جدید در این محل و در بنای یادمانی و مقدس کعبه‌زرتشت انجام می‌شده است. شخص پادشاه پس از انجام مراسم مذهبی از نقش‌رستم خارج و در تختگاه تخت‌جمشید بر تخت می‌نشسته است. این مجموعه به‌عنوان میراث باستانی و معنوی پادشاهان هخامنشی همواره در مشروعیت مذهبی دوره‌های پس از هخامنشی به عنوان میراث اعتقادی نقش‌پویایی در ساختار حاکمیتی، سیاسی و مذهبی داشته است. انتقال سنت مذهبی چند هزار ساله بین‌النهرینی و عیلامی در عروج روحانی و مشروعیت بخشی به شخص پادشاه در زمان به تخت نشستن در شهرهای ایدئولوژیک مذهبی در زیگورات‌های بابل، اینشوشیناک در شوش و چغازنبیل و تداوم این سنت با تشکیلات پیچیده‌تر اما منسجم‌تر به دوره هخامنشی و ساسانی در بنای کعبه زرتشت در نقش‌رستم در شهر ایدئولوژیک پارسه در دشت‌آنشان نشان از تحول فرایند مذهبی و مشروعیت دینی حکومت‌های عیلامی، هخامنشی و ساسانی در جنوب و جنوب غرب ایران طی چند هزاره دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

کتابها:

Alvarez-Mon, J. (۲۰۱۳). Elam in the Iron Age. in *the Oxford Handbook of Ancient Iran*. Edit by: Daniel Thomas Potts, chapter ۳۳. Oxford University Press.

Aram, M. (۱۹۸۶.) *Iranisches Personennamenbuch*, vol. ۴, *Nomina Propria Iranica in Nummis*, Vienna.

Askari Chaverdi, A & P, Callieri. (۷۷۷۷). Persepolis West (Fars, Iran). Report on the field work carried out by the Iranian-Italian Joint Archaeological Mission in ۸۸۸۸-۲۰۰۹, *مجله پژوهش‌های باستان‌شناختی ایران*, ۲۸۷۰. *مجله باستان‌شناسی*.

Calmayer, P. (۹۹۹۹). *Die Reliefs der Gräber V und VI in Persepolis*, Mainz: AIT ۸.

Dieulafoy, M. (۴۴۴۴-۱۸۸۵). *L'art antique de la Perse*, Paris, Vol. III, p. ۱۱, pl. I-III.

Ghirshman, R. (۶۶۶۶). Tchogha Zanbil (Dur-Untash): La ziggurat. Paris: MDP ۹۹. (Persian transl. by A. Karimi, vol. ۸۸. Tehran: Iranian Organization for Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism.

Henning, W.B. (۱۹۵۷). *Corpus Inscriptionum Iranicarum*. Part III: Pahlavi Inscriptions of the Classical Period. Plates, portfolio II (plate ۵۵-۸۸) *The Inscription of Naqsh-i Rostam* (۱-۸۸), London.

Herzfeld, E. (۱۱۱۱). *Iran in the Ancient East*, Oxford University Press, Oxford.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقالات:

Askari Chaverdi, A &, Callieri, P. (۲۲۲۲). "The Acquisitions of the Iranian-Italian Joint Archaeological Mission at Persepolis West (Fars, Iran). First Result of the Studies on the Pottery of Ahhaee nid and Post cc hammendd Aee", in *Dariosh Studies II Persepolis and its Settlements*, ed. G. P. Basello and A. V. Rossi, pp. ۵۵-۹۹۹, Naples.

Byron, R. (۵۵۵۵). "An Early Rock Carving at Naqsh-i Rostam", in *Bulletin of the American Institute for Persian Art Archaeology*, Vol. IV, p. ۹۹.

Boucharlat, R., T. de Schacht, & S. Gondet. (۲۲۲۲). *Surface Reconnaissance in the*

Brunner, C.J. (۴۴۴۴). "The Middle Persian Inscriptions of the Priest Kirdir at Naqsh-i Rostam", in *Near Eastern Numismatic, Iconography, Epigraphy and History. Studies in Honour of G. Miles*, Beirut, pp. ۷۷-۴ .

Demandt, A. (۸۸۸۸). "Studien zur Kaaba-i Zardoscht", in *Archäologischer Anzeiger*, pp. ۰۰۰-۰۰۰, ۰۰ figs.

Erdmann, K. (۱۹۹۹). "Die Altäre von Naqsh-i Rostam". in *Mitteilungen der Deutschen Orient-Gesellschaft*, Vol. ۱۱, pp. ۶-۵۵, ۸ figs.

Gignoux, Ph. (۱۹۸۸). "L'inscription de Kartir à Sar Mashhad". in *Journal Asiatique*, pp. ۳۸۷-۴۱۸.

Gignoux, Ph. (۱۹۹۱). "D'Abnun à Mahan. Étude de deux inscriptions Sassanides", in *Studia Iranica*, Tome ۳۰, fasc. ۱, pp. ۹-۲۲.

Gotch, P. (۱۹۲۲). "New light on rock-carved monuments at Naksh-i Rostam and Istakhr". in *Summaries of Papers to be delivered at the Sixth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, Oxford, Sept. pp. ۷۷-۸۸.

Gnoli, G. (۱۹۹۱). "Inscriptions bilingues à la Ka'be-ye Zardosht et la propagande sassanide", in *Histoire et Cultes de l'Asie Centrale Pré-Islamique. Sources écrites et documents archéologiques (Actes du Colloque international du CNRS, Paris, ۲۲-۲۸ novembre ۱۹۸۸)*, eds. P. Bernard & F. Grenet, Paris, pp. ۷۷-۳۳.

Haerinck E. and Overlaet, B. (۱۹۸۸). "Représentations sur Frataraka Coinage", pp. ۷۷۷-۳۳۲.

Henning, W. b. (۱۹۷۷-۸۸). "The inscriptions from Naqsh-e Rostam", in *BSOAS.*, IX. P. ۸۴۹.

Hinz, W. (۱۹۰۰). "Die Inschrift des Hohenpriesters Karder am Turm von Naqsh-e Rostam", in *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge, Vol. ۳, pp. ۱۱۱-۵۵۵.

Hinz, W. (۱۹۱۱). "Die Monumente am Dareios Grab", in *Antike Welt*, pp. ۲۲-۳۳.

Herzfeld, E. (۱۸۸۸). "La sculpture rupestre de la Perse Sassanide", in *Revue des Arts Asiatiques*, Vol. V, pp. ۱۱۱-۸۸۸.

Kleiss, W. (۱۹۶۶). "Beobachtungen in der Umgebung von Naqsh-e Rostam". *Archäologische Mitteilungen aus Iran* ۹: ۱۱۱-۱۰۰.

Krefter, F. (۱۹۱۱). *Persepolis Rekonstruktionen. Der Wiederaufbau des Frauenpalastes. Rekonstruktionen der Paläste. Modell von Persepolis (Teheraner Forschungen, ۳)*, Berlin, ۵۵۵ p., ۳ pl., ۵۵ Beilage.

Herrmann, G., D.N. Mackenzie & R. Howell C. (۱۹۹۹). *The Sasanian Rock Reliefs at Naqsh-i Rostam. Naqsh-i Rostam ۶, The Triumph of Shapur I (together with an account*

of the representations of Kerdir); Kerdir's Inscription (Iranische Denkmäler, Lief. ۳۳. Reihe II. Iranische Felsreliefs I), Berlin, ۲۲ pp., ۲۲ figs., ۴۴ pls.

Nadjmabadi, S. (۱۹۷۶). "Eine tttt dddddd dddddd dddddd ttttt nn aa šš-e Rostam", in Zusammenfassungen der für den VII. Internationalen Kongress für Iranische Kunst und Archäologie vorgesehenen Vorträge, München, ۱ p.

Potts, D, T. (۱۹۷۷). Foundation Houses, Fire Altars and the FARATARAKA, Interpreting the Iconography of some Post-Achaemenid Persian Coins, in Iranica Antiqua, Vol. XLII. PP. ۱۱۱- ۱۷۷.

Persepolis Plain (۵۵۵۵-۸۸۸۸). New Data on the City Organisation and Landscape Management », in Dariosh Studies II. Persepolis and its Settlements: Territorial System and Ideology in the Achaemenid State, Eds. G.P. Basello, A.V. Rossi. Università degli iiii ii llll lOOOOe,,,,,, ,, nnnnnnnnA,,,, ,, e Mnnnnnnnnnnssssss nnn ,, LXXVIII, Napoli, pp. ۱۲۳-۱۶۶.

Rawlinson. G. (۱۱۱۱). " Family of theAchaemeidae" in Tr. Of History of Herodotus, London. Vol. IV. pp. ۲۹۹- ۸۸۸.

Roaf, M. (۴۴۴۴). "Two Rock Carvings at Naqsh-i Rostam", in Iran, Vol. ۲۲, pp. ۹۹۹- ۲۰۰, □□□.

Sancisi-Weerdenburg, H. (۳۳۳۳). "The Zendan and the Ka'bah", in Kunst, Kultur und Geschichte der Achämenidenzeit und ihr Fortleben (Archäologische Mitteilungen aus Iran, Ergänzungsband ۰۰), eds. H. Koch & D.N. Mackenzie, Berlin, ۳۳۳۳, pp. ۵۵۵- ۱۵۱.

Sarre, F. & Herzfeld, E. (۰۰۰۰). Iranische Felsreliefs, Berlin, pp. ۷۷-۹۱, p. ۳ sq., pl. I-IV, fig. ۱.

Schipmann, K. (۱۱۱۱). "Hinweise auf einige kleinere Monumente bei Naqsh-i Rostam", in *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Neue Folge, Vol. ۴, pp. ۷۷-۱۱۱, pl. ۸۸-۰۰.

Schmidt, E. (۱۹۹۹). The Treasury of Persepolis and other discoveries (Oriental Institute Communications ۱۱), Chicago, ۱۹۹۹, p. ۵۵۵, fig. ۲۲.

Schmidt, E. (۰۰۰۰). Persepolis III. Excavations at Naqsh-i Rostam, Chicago, pp. ۵-۶۶, pp. ۱۱۱, ۲۲۲, ۷۷۷, ۹۹۹, ۴۴۴, ۶۶۶.

Sprengling, M. (۱۹۱۷). "A New Pehlevi Inscription", in American Journal of Semitic Languages and Literatures, Vol. LIII, pp. ۶۶۶-۴۴۴.

Shahbazi, Sh, (۱۹۸۸). Naqsh-e Rostam Illustrated, Institute of Achaemenid Research Publication, n. VIII, Tehran.

Stronach, D. (۱۹۷۴). "Excavations at Pasargadae, Second Preliminary Report", in Iran, Vol. ۲, pp. ۸۸-۱۰۰.

Stronach, D. (۱۹۵۵). "British Archaeology Abroad ۱۹۵۴. British Institute of Persian Studies at Tehran", in Antiquity, Vol. XXXIX, pp. ۱۱-۲۲, pl.X-XII.

Stronach, D. (۱۹۶۶). "Notes on the Tomb of Cyrus, the Zendan, and the Ka'bah", in The Memorial Volume of the Vith International Congress of Iranian Art and Archaeology, Oxford, September ۱۱-۶۶, ۲۲۲۲, Tehran, pp. ۳۳۳-۸۸۸.

Stronach, D. (۱۹۸۸). Pasargadae: A Report on the Excavations Conducted by the British Institute of Persian Studies from ۱۹۱۱ to ۱۹۳۳, Oxford University Press, Oxford (Persian transl. by H. Khatib-Shahidi, vol. ۱). Tehran: Iranian Organization for Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism. In Persian, ۱۷۷۹).

Sumner, W. M. (۱۹۶۶). eeeeeeee eee ttt eetttt tt eee pppppppppp,,,,,, , nnnnnnnn Journal of Archaeology, ۱۱, pp. ۳-۵۵.

Wurfel, K. (۱۹۰۰). "Naqsh-i Rostam", in Antike Welt, ۱/۴, ۱۹۰۰, pp. ۳-۳۳, ۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی